

شرق

راندنده تاکسی و طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، عکس: علی حدادی، آتا



راندنده تاکسی و طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، عکس: علی حدادی، آتا

تجربه دیگران

«جولی» از نقش محافظتی مدارس در برابر آزار کودکان می‌گوید

عینی خسونت هستند و به طور متوسط روزانه ۱۳۷ زن در سراسر جهان از سوی شریک زندگی یا یک عضو خانواده‌شان کشته می‌شوند. او می‌گوید: «ما هرگز نمی‌دانیم که در چه تعدادی از این موارد آسیب‌رسانی، کودک شاهد این اتفاقات نیست. جداکردن یک قربانی از خانواده و دوستان، یک تاکتیک شناخته‌شده از طرف سوءاستفاده‌کنندگان است. این نگرانی وجود دارد که فاصله‌گذاری اجتماعی می‌تواند ناخواسته باعث افزایش رنج کودکان آسیب‌دیده باشد. درحال‌حاضر گزارش‌هایی درباره افزایش خسونت خانگی در سراسر جهان، حتی قتل‌ها وجود دارد. در شرایط کنونی کودکان از شبکه‌های حمایتی خود محروم می‌شوند؛ شبکه‌هایی که به آنها کمک می‌کند تا با این خسونت‌ها مقابله کنند؛ از دوستان و معلمان مسود اعتماد تا حتی دیدار از یک فامیل مورد اعتماد بعد از مدرسه. این بیماری، فرزندان را از دوستان‌شان، تحصیلات منظم و آزادی حرکت‌شان جدا کرده است. بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان تحت فشار زندگی می‌کنند. درحال‌حاضر توجه زیادی به موانع تحصیلی کودکان و افزایش روحیه و شادی آنها در این انزوا نمی‌شود. برای بسیاری از دانش‌آموزان، مدارس فرصت زندگی و همچنین سیر محافظتی محسوب می‌شود؛ سپری که کودکان را از خشونت، استثمار، استثمار جنسی، ازدواج اجباری و کار کودکان محافظت می‌کند یا دست‌کم در روندش تأخیر می‌اندازد». او معتقد است: «این فقط کودکان نیستند



گروهی از دانش‌آموزان در یک مدرسه در ایران، عکس: مهری، آتا

زیر آسمان جهان

پوتین ثروتمندترین فرد روسیه

تشریه فوربس آخرین تغییرات ثروت جهان را منتشر کرده است. کرونا سبب شده تا اقتصاد جهان دچار مشکلات متعدد شود. این‌بار به نظر می‌رسد ثروتمندان جهان از این مسائل مستثنا نیستند و در اوایل ظهور کرونا هر روز از سقوط ارزش دارایی‌های ثروتمندان خبر می‌رسید و بسیاری از آنها ضررهای میلیونی و میلیاردداری داشتند. اما پس از مدتی برخی از آنها با توجه به نیازهای جدید مردم در شرایط قرنطینه و تبحرشان در زمینه استفاده از دارایی‌هایشان توانستند گردونه را به نفع خود بچرخانند؛ از شرکت‌هایی نظیر زوم که توانستند امکان کنفرانس‌های مجازی را فراهم کنند تا آمازون و افزایش خریدهای اینترنتی. در این میان البته فقط مدیرعامل تسلا بود که انکار ثروت زیادی را دوست ندارد و با انتشار توییتی سبب شد سهام خود را کاهش دهد. هرچند در بین ۱۰ ثروتمند جهان، شش نفر آمریکایی هستند و جالب‌تر اینکه چین نیز صاحب ثروتمندان زیادی است. اما تلفیق سیاست و

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۱۱ رمضان ۱۴۴۱ • ۵ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۱۲ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۴
اذان صبح فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

قادر باستانی
پژوهشگر رسانه‌های
اجتماعی

زندگی بدون نت، کابوسی برای بشر امروز است. شیوع سهمگین ویروس کرونا، اهمیت حیاتی فناوری‌های جدید ارتباطی را روشن‌تر کرد؛ مردم در حالی که چند هفته‌ای به کنج خانه خزیده بودند، از طریق شبکه‌های اجتماعی، با دوستان و اقوام، ارتباط آنلاین داشتند؛ اما این سرویسی که تلگرام، فیس‌بوک، اینستاگرام، واتساپ، ایمو یا موتورهای جست‌وجو مثل گوگل و نظایر آن به مردم می‌دهند، در قبالش چه می‌گیرند؟ همه خدمات برای مردم رایگان است؛ اما آنها هزینه سنگین‌شان را از کجا تأمین می‌کنند؟ واقعیت این است که جزئی‌ترین رفتارها و احساسات روزمره ما مردم، به کالایی قابل فروش تبدیل شده است. ما در زمان نصب یک برنامه پیام‌رسان، اجازه می‌دهیم از اطلاعات ما استفاده کنند، تا اجازه‌ها را تأیید نکنیم، برنامه نصب نمی‌شود. این شرکت‌های جهانی فناوری، در قبال سرویسی که می‌دهند، اطلاعات شخصی‌مان را به شکل کلان‌داده یا «بگ‌دیتا» به مشتریان خود می‌فروشند. آن مشتریان، با تحلیل رفتارها و احساسات مردم یک کشور، کالا تولید می‌کنند یا فروش خود را بالا می‌برند. همچنین سازمان‌های امنیتی قدرت‌های بزرگ دنیا، مشتری این اطلاعات هستند که می‌خواهند بدانند مردم یک کشور چگونه فکر می‌کنند و درباره موضوعات مختلف چه نظری دارند. مشتری‌های دیگری هم هستند که هرکدام با انگیزه‌ای خاص، در پی به‌دست‌آوردن کلان‌داده‌ها هستند. خانم شوشانا زوبوف، استاد دانشگاه هاروارد، در کتابی جالب به این موضوع توجه کرده است. او نظریه خود را با این پرسش‌ها شروع می‌کند که شرکت‌هایی مثل گوگل و فیس‌بوک، چطور ما را ترغیب کردند که برای آسودگی بیشتر از خبر حريم خصوصی‌مان بگذریم؟ چگونه داده‌هایی را که این شرکت‌ها از اطلاعات شخصی ما جمع‌آوری می‌کنند، دیگران به کار می‌گیرند تا نه‌فقط رفتار ما را پیش‌بینی کنند، بلکه بر آن اثر بگذارند و اصلاحش کنند؟ این موضوع چه پیامدهای جاقع‌باری برای دموکراسی و آزادی دارد؟ او عصر حاضر را «عصر سرمایه‌داری تجسی» می‌خواند.

زوبوف معتقد است سرمایه‌داری تجسی از سوی شرکت‌های بزرگ فناوری ایجاد شده که نشانه آن تمرکز بی‌سابقه ثروت، دانش و قدرت در تاریخ بشر است. بنیان سرمایه‌داری تجسی، الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده و محاسبه ریاضی رفتار انسان است. سرمایه‌داران تجسی «اطمینان» را به آن دسته از مشتریان خود می‌فروشند که می‌خواهند بدانند ما چه می‌کنیم. آنها می‌خواهند بدانند چگونه رفتار بزرگ شوید.

جولی معتقد است: «ما برای این لحظه آماده نبودیم؛ زیرا هنوز به‌عنوان یک جامعه باید حمایت از کودکان را جدی بگیریم تا اثرات عمیق و پایدار سلامتی و روانی بر ثرومای کودکان آسیب‌دیده را مداوا کنیم و از آنها مراقبت کنیم. حتی اگر از نظر جسمی از یکدیگر جدا شده‌ایم، می‌توانیم با خانواده یا دوستانی که نگران‌شان هستیم، تماس بگیریم».

تاداشی یانای صاحب برند یونیک لو حدود ۲۴ میلیارد ثروت دارد. «دوید تامسون» ثروتمندترین شخص کاناداست و بیست‌وپنجمین فرد ثروتمند جهان. او ثروت ۲۵.۶ میلیارددلاری خود را از فعالیت در عرصه رسانه کسب کرده است. ثروتمندترین شخص در آلمان «کارل آلبرخت» است که بیست‌وچهارمین فرد ثروتمند جهان است و ۳۶ میلیارد دارایی‌اش را از طریق خرده‌فروشی کسب کرده است.

«ماهاواتنک» هجدهمین فرد ثروتمند جهان، ثروتمندترین شخص در چین است. او مدیر شرکت تسنت و صاحب ۴۶.۹ میلیارد دلار دارایی است. ثروتمندترین شخص هند، موکاش آمبانی است که شانزدهمین ثروتمند جهان است و با ثروت ۵۳.۸ میلیارد دلار در زمینه پتروشیمی فعالیت می‌کند. سومین فرد ثروتمند جهان، یعنی «برنارد ارنو»، فرانسوی و صاحب برند لویی وتیون است. ثروت او تا پایان ماه آوریل به ۹۳.۹ میلیارد دلار رسیده است.

سرمایه‌داری تجسی توهم یا واقعیت؟

خواهیم کرد تا بدانند بهترین راه مداخله در رفتارمان چیست. قدرت بی‌سابقه سرمایه‌داری تجسی، با تلاش این شرکت‌های قدرتمند برای پیش‌بینی و کنترل رفتار ما حاصل شده است.

برای مثال در آمریکا، دستگاه‌های تنفسی متصل به نت، مورد استفاده افرادی که از یک بیماری خاص رنج می‌برند، داده‌ها را مخفیانه به شرکت بیسه می‌فرستند و این امکان را فراهم می‌کنند تا آنها به استناد آن داده‌ها، از پرداخت خسارت خودداری کنند. همچنین برخی از برنامه‌های تلفن همراه، محل اقامت شهروندان را هر دو ثانیه یک بار برای فروش به اشخاص ثالث ضبط می‌کنند. حتی گردآوری اطلاعات از رمز رایانه‌ها، شبکه اینترنت و اسمارت‌فون‌ها فراتر رفته است؛ مثلاً تلویزیون‌های هوشمند دوربین‌دار متصل به اینترنت می‌توانند حرکات، مکالمات و حتی حالات مختلف چهره را ثبت و مخابره کنند. ترموستات‌های متصل به شبکه اینترنت در بعضی از خانه‌های مردم وجود دارد که به صاحبان آن خانه‌ها اجازه می‌دهد از راه دور، دمای خانه خود را تنظیم کنند. علاوه بر این، یخچال‌ها، آیفون‌های تصویری برای بازکردن درها و حتی خودروهای متصل به نت وجود دارند که آنها نیز غالباً اطلاعات مردم را جمع‌آوری و به مشتریان خود می‌فروشند. در عصر سرمایه‌داری تجسی، شرکت‌ها همه چیز را درباره ما می‌دانند و امور به‌گونه‌ای طراحی شده که برای ما کاربران، ناشناخته و پنهان باشد. آنها به خاطر اهداف و منافع مالی دیگران، آیند ما را پیش‌بینی می‌کنند و به رفتارمان شکل می‌دهند و این قدرت شناخت و اصلاح رفتار انسانی، بی‌سابقه است. اصلاح رفتار از طریق تنظیم، هدایت، شکل‌دهی و کشاندن ما به سمتی است که بیشترین احتمال موفقیت کسب‌وکار این شرکت‌های بزرگ تجاری را رقم بزند. چند سال پیش، فیس‌بوک آزمایش‌هایی را انجام داد تا ببیند آیا می‌تواند بر هیجانات و رفتار کاربران در دنیای واقعی، به‌گونه‌ای اثر بگذارد که آگاهی آنها را دور بزند، درعین‌حال که خودشان متوجه نشوند. به بیان بهتر، سرمایه‌گذاری تجسی مداخله‌ای سیستم در اراده ماست و همه‌ای علیه خودمختاری بشر انجام می‌دهد.

منتقدان نظریه سرمایه‌داری تجسی که اغلب شرکت‌های بزرگ فناوری هستند، این دیدگاه‌ها را توهم توطئه می‌خوانند و رد می‌کنند؛ اما هرچه هست، پارادوکس سرویس رایگان به مردم و هزینه‌های هنگفت این شرکت‌ها، توهم‌دانستن این نظریه را خدشه‌دار می‌کند. واقعیت امر هرچه باشد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید قوانین شفاف‌سازی برای مهار شرکت‌های بزرگ فناوری الکترونیکی وضع کنند تا آنها نتوانند برای افزایش سودآوری خود، بدون اطلاع و رضایت مردم، به‌راحتی اطلاعات خصوصی شهروندان را به‌مثابه کالا در معرض خرید و فروش بگذارند.

قصه‌های شهر

نان داغ شبکه‌های اجتماعی

تبلیغ مدرن یعنی همین. دسته دیگری با مقایسه میزان دنبال‌کننده‌های فلان شخص مجهول‌الهویه با فلان شخصیت علمی و فرهنگی فریاد و آسا سر می‌دهند و از پایین‌آمدن ذوق و سلیقه و ارزش‌های مردم بغض در گلویشان جمع می‌شود. عده‌ای از وفور این‌همه لایوهای آموزشی که اصرار دارند ما از هر لحظه و ثانیه عمرمان به وفور استفاده کنیم و حتما چیزی بیاموزیم حالت دل به‌هم‌خوردگی پeshان دست می‌دهد و از آن‌طرف هم عده‌ای یقه‌مان را می‌چسبند که ولو برای کنجکاوی هم که شده مبادا برای دیدن لایو فلان شخص بروید که باعث اضافه‌شدن میزان بینندگانش و شاخ‌شدن بیشترش می‌شود. دای‌جان ناپلئون‌های معاصر با اشاره زیرکانه‌ای به فیلترشدن شبکه پرمخاطب اینستاگرام جمله تاریخی کار کار خودشونه را بر زبان می‌آورند و نگران‌های زنتیکی همه دوران‌ها به دنبال راه‌هایی برای کنترل و مسدودکردن آن

می‌گردند. اما ما ملت فهیم و همیشه در حسنه که در مرزی مر مخاطب و تولیدکننده این شبکه‌های مجازی ایستاده‌ایم، از بین هزارها بیت شعرى که طی قرن‌ها به خاطر سپرده‌ایم، مصرع خودشکن آینه‌شکستن خطاست به خاطرم‌ان می‌آید و لابد می‌دانیم که شبکه‌های اجتماعی مثل دوچرخه، ضبط‌صوت، خودرو، تلفن و... یا به زندگی ما می‌گذارند، دگرگونش می‌کنند و برای گروهی معنای زندگی‌مان می‌شوند و برای گروهی اثر می‌گذارد. گروهی با منفعت انتخاب هرکدام از این دو نگاه، نوش جان انتخاب‌کنندگانشان.

حیف که دبیر محترم این صفحه نسبت به کلمه کرونا حساسیت پیدا کرده وگرنه می‌نوشتم ای کرونا، این نانی بود که تو داغ داغ در سفره ما گذاشتی!

دغدغه‌های طبییانه-۴

بهای سنگین یک پزشک برای شستن دست‌ها



عبدالرضا نامر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● دغدغه‌های طبییانه گاهی بسیار عادی می‌شوند. همه با‌دشان می‌رود که برای رسیدن به یک توصیه به ظاهر ساده چه راه‌های بزرگی طی شده است. این روزها با آمدن کرونا همه دائم دست‌هایشان را می‌شویند، همه‌جا تأکید می‌شود که شستن دست‌ها با آب و صابون تا میزان زیادی می‌تواند از عفونت جلوگیری کند. البته چنین توصیه‌ای محدود به زمان کرونا نیست. شستن دست‌ها همیشه توصیه شده است. اما جالب اینجاست که این توصیه ساده و پیش‌یافتاده در تاریخ خود اصلا ساده نبوده و به قربانی‌شدن توصیه‌کننده اصلی آن؛ یعنی دکتر «ایگناس زملوایس» منتج شده است. قبل از «لونی پاستور» کسی از دنیای میکروب‌ها خبری نداشت. اعمال جراحی و اقدامات پزشکی همه بدون شستن دست‌ها و انجام نظافت صورت می‌گرفت. همین هم باعث می‌شد که مرگ‌ومیر بسیاری به دلیل عفونت رخ دهد. این موضوع در مورد مادران بسیار بیشتر بود، زیرا یک پزشک یا یک ماما بدون نظافت به بالین مادر می‌رفت و با دست‌های آلوده فرزند او را به دنیا می‌آورد. بنابراین ریسک عفونت مادر نیز با این‌کار افزایش می‌یافت. «ایگناس فیلیپ زملوایس»، پزشک مجارستانی که از او با عنوان نجات‌دهنده مادران نیز یاد می‌کنند، اولین کسی بود که متوجه ارزش شستن و ضدعفونی‌کردن دست‌ها در کاهش میزان عفونت‌ها و مرگ‌ومیر مادران شد. او به همه پزشکان توصیه کرد که قبل از زایمان دست‌های خود را بشویند، اما هیچ‌کس به حرف‌های او توجه نکرد. عدم توجه جامعه علمی آن زمان، باعث افسردگی عمیق «زملوایس» شد. وقتی او بر حرف‌هایش پافشاری کرد، وی را به تیمارستان منتقل کردند و زمانی که خواست از تیمارستان خارج شود، مورد ضرب‌وجرح نگهبانان قرار گرفت و چند روز بعد به علت عفونت قانقاریای ناشی از ضرب‌وجرح و نیز خون‌ریزی داخلی درگذشت. تنها بعد از کشفیات «لونی پاستور» بود که جامعه علمی متوجه اهمیت حرف‌های او شد و او جایگاه مناسب خود را در تاریخ یافت. البته او جانفش را برای حرف‌هایش و برای محافظت



از مادران داد. وقتی این تاریخچه را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که حتی یک دستور بسیار ساده علمی اصلا ساده نیست و به سادگی به دست نیامده است. همین موضوع هم نشان می‌دهد که نمی‌توان به‌سادگی نیز اظهارنظر کرد. این روزها می‌بینیم و می‌شویم که خیلی‌ها به‌راحتی و بدون هیچ‌گونه شواهد علمی توصیه‌هایی می‌کنند که می‌تواند بسیار هم خطرناک باشد. شاید مشهورترین آنها توصیه رئیس‌جمهور آمریکا به تزریق مواد ضدعفونی‌کننده بود. این توصیه البته با سیل انتقادات فراوان روبه‌رو شد. یکی از جالب‌ترین آنها مقاله کوتاهی بود که در ژورنال نواگلند که از معتبرترین ژورنال‌های پزشکی است به چاپ رسید. این ژورنال در یک مطلب کوتاه که دقیقاً به صورت مقالات علمی طراحی شده بود، نوشت که ما توصیه ایشان را خواندیم. خطرناک است. به این توصیه عمل نکنید. کوتاهی این مطلب نشان‌دهنده میزان ناآگاهی یک رئیس‌جمهور به مسائل ساده بهداشتی در جامعه‌ای است که این‌روزها به‌شدت تحت‌تأثیر کرونا بوده و کرونا هر روز قربانیان زیادی از آن می‌گیرد. از سوی دیگر اینکه حتی یک توصیه ساده، یعنی عدم مصرف مواد ضدعفونی‌کننده، در شکل‌وشیمیایی کاملاً علمی و مطابق بر متدهای مقاله‌نویسی عنوان شده است، درس‌های زیادی به ما می‌دهد؛ اینکه علم و بیان علمی تا چه میزان ارزشمند است. اینکه هر توصیه‌ای باید از مجاری علمی عبور کند. باید طبق متدها سنجنیده شود و اگر درست بود بیان شود؛ موضوعی که در جامعه ما اصلا رعایت نمی‌شود. کرونا اوج توصیه‌های غیرعلمی در جامعه ما بود. توصیه‌هایی که نشان می‌داد علمی فکرکردن چقدر جایی در جامعه ما خالی است و درعین‌حال این غیبت می‌تواند تا چه میزان خطرناک باشد. شاید کرونا فرصتی باشد که دوباره در مورد روش‌های خود بیندیشیم و ارزش علم را برای حفظ بقای یک جامعه گوشزد کنیم.